

حتما شما هم این گفته را بسیار شنیده اید که می گویند: عجب دنیایی بی وفایی است.

در واقع اغلب اوقات ما با کسانی مواجه می شویم که نه فقط قابل اعتماد نیستند، بلکه کاملا بی وفا هستند. زمانی که به اطراف نگاه می کنیم می بینیم که سیاستمداران بی وفا هستند و به قول هایی که داده اند وفادار نیستند. دوستان ما اغلب قولهای مختلفی می دهند ولی زمانی که وقت عمل می رسد، زیر همه قول و قرارهای خویش می زنند و ناگهان می بینیم که بعضی هایشان حتی پیدایشان هم نمی شود. همین طور بین زوجین هم ما شاهد این مسئله هستیم که بین آن دونفری که زمانی در حضور شاهدین عهد بستند که وفادارانه با هم زندگی کنند بی وفایی دیده می شود. به راستی که بی وفایی یکی از معمولی ترین گناهان بشر به حساب می آید. مردم در امور بازرگانی بی وفا هستند و دیگر نمی شود بدون داشتن مدرک معتبر معامله کرد. امروزه به اخبار و رسانه های گروهی هم نمی توان اعتماد کرد که وفادارانه وظیفه خودشان را در بیان حقایق خبری انجام بدهند! متأسفانه حتی در امور روحانی هم نمی دانیم که آیا این مذهبیون و روحانیون قابل اعتماد هستند یا نه، چون بیشتر اوقات هیچ هماهنگی بین آن چه که تعلیم داده می شود و آن چه که انجام می شوند دیده نمی شود. اگر صادقانه نگاه کنیم باید از خودمان پرسیم که ما چقدر نسبت به خدای واقعی وفادار بوده ایم؟ خود ما اغلب اوقات نسبت به خدا بی وفا هستیم. واقعا چقدر عالی و خوشحال کننده است که با وجود آن چه که پیرامون ما می گذرد کسی هست که کاملا وفادار است. او فقط و فقط خدای واقعی است که در تمام امور وفادار است و می توان به او اعتماد کرد. کلام خدا می گوید: " بدانید که تنها خدایی که وجود دارد خداوند، خدایتان است و او همان خدای امینی است که تا هزاران نسل وعده های خود را نگاه داشته و پیوسته کسانی را که او را دوست می دارند و دستوراتش را اطاعت می کنند محبت می نماید." (تثنیه ۹:۷). در واقع این خصوصیت وفاداری خدا جز صفات لاینفک خداست و بدون او خدا نمی تواند اصلا خدا باشد. در واقع اگر خدا بی وفا باشد، دارد برخلاف خصلتش عمل می کند و این غیر ممکن است. " اگر ما بی وفایی کنیم او وفادار خواهد ماند، زیرا او نمی تواند خود را انکار کند." (دوم تیموتائوس ۲:۱۳). وفاداری خدا یکی از جنبه های کاملیت شکوهمند خدا هست. می توان گفت که خدا به وفاداری ملبس است. "ای خداوند قادر متعال، کیست مانند تو؟ تودر قدرت و وفاداری بی نظیر هستی." (مزمور ۹:۸۹) و " رحمت تو، ای خداوند، تا به آسمان ها می رسد و وفاداری تو به بالاتر از ابرها!" (مزمور ۵:۳۶) وفاداری خدا ماورای درک انسانی ما است. وفاداری او تغییری ناپذیر است. او هرگز فراموش نمی کند، هیچوقت شکست نمی خورد، او قاصر نیست و هرگز زیر حرف و وعده هایش نمی زند. هر آن چه که پیشگویی کرده، و وعده داده، حتی تهدید کرده است یا به آن عمل کرده و آن را به اثبات رسانیده است یا در حال عمل و وقوع آن است یا این که در نهایت در آینده به ثبت خواهد رساند. "خدا انسان نیست که دروغ بگوید او مثل انسان نیست که تغییر فکر دهد. آیا تا کنون وعده ای داده است که بدان عمل نکرده باشد؟" (اعداد ۱۹:۲۳). به همین خاطر است که شخص ایمان دار می تواند ادعا کند که: رحمت خداوند بی زوال است. آری به سبب محبت اوست که ما تلف نشده ایم. وفاداری خدا عظیم است و رحمت او هرصبح بر ما می تابد. (مراثی ارمیا ۳: ۲۳-۲۴). در کلام خدا وفاداری خدا به طور مکرر دیده می شود. برای مثال بیش از چهار هزار سال پیش او در کلامش گفت: تا زمانی که جهان باقی است، کشت و زرع، سرما و گرما، زمستان و تابستان، و روز و شب همچنان برقرار خواهد بود. (پیدایش ۸:۲۲). هر سال که ما نوروز را جشن می گیریم در واقع شاید شاهد تازه ای از وفاداری خدا در آن چه که وعده و قول داده است می بینیم. یا در کلام خدا می خوانیم که خدا به جد ما ابراهیم این طور وعده می دهد: " نسل تو مدت چهارصدسال در مملکت بیگانه ای بندگی خواهند کرد و مورد ظلم و ستم قرار خواهند گرفت. ولی من آن مملکت را تنبیه خواهم نمود و سرانجام نسل تو با اموال زیاد از آن جا بیرون خواهند آمد." ... قرن ها بعد، فرزندان ابراهیم در مصر آه و ناله می کنند... آیا خدا وعده خودش را فراموش کرده بود؟ به هیچ وجه. در آخرین روز چهارصد و سی امین سال بود که قوم خدا از سرزمین مصر بیرون آمدند. (خروج ۱۲:۴۱). خدا در تمام روابطش با مخلوقاتش کاملا وفادار و امین است و ما می توانیم به طور کامل به او اعتماد کنیم و خوب است بدانیم که اعتماد هیچ کس به او بیهوده نبوده و

نخواهد بود. این که ما بپذیریم که خدا وفادار است مهم است، اما مهم تر از آن قدم برداشتن با اطمینان بر وفاداری خدا هست.

اگر از بسیاری از ما بپرسند که آیا قبول دارید خدا قابل اعتماد است؟ همه جواب می دهند البته. اما آیا حاضر هستیم بر روی این اعتقاد عمل کنیم. خدا وعده های زیبای خودش را به فراوانی به ما داده است. ولی آیا ما واقعا بر روی آن وعده ها حساب می کنیم؟ و آیا واقعا انتظار داریم که خدا حتما به وعده هایی که داده است عمل کند؟ آیا با اطمینان خاطر روی وعده های خدا زندگی می کنیم؟ " او که به ما وعده داده است، به وعده های خود وفا می کند." (عبرانیان ۱۰:۲۳)

وقت هایی در زندگی هریک از ما هست که آسان نیست باور کنیم که خدا واقعا وفادار است چون گوش های ما با وسوسه های شیطان پر شده و دیگر صدای آرام خدا را نمی شنویم. برنامه ریزی های ما درست از آب در نیامده و دوستانی که روی آن ها حساب می کردیم ناپدید شده اند! و حتی بهترین دوستان ما هم، ما را به فراموشی سپرده اند. آن اعتقادی که قرار بود به ما خوشبختی واقعی را بدهد جوابگوی چراهای ما نیست... همه چیز برای ما سخت و دشوار به نظر می آید و در واقع فکر می کنیم که غیر ممکن است بتوان به خدا و وعده هایش اعتماد کرد. اما کلام خدا می گوید: " ای کسانی که ترس خداوند را در دل دارید و مطیع و خدمتگزار او هستید، به خداوند اعتماد کنید، هرچند راه شما تاریک باشد و هیچ نوری بر آن نتابد. اما شما به خدای خود اطمینان داشته باشید." (اشعیا ۵۰:۱۰). زمانی که وسوسه می شوید به وفاداری خدا شک کنید، منتظر باشید تا خدا نور بیشتری به شما نشان بدهد. خدا در زمان معین خودش همه چیز را برایتان روشن می کند. عیسی مسیح به حواریون گفت: " اکنون نمی فهمید من چه می کنم ولی بعدا خواهید فهمید." (یوحنا ۱۳:۷) آن چه بعد در زندگی ما پیش می آید به ما نشان خواهد داد که خدا هرگز فرزند خودش را فراموش نکرده و هرگز او را فریب نداده است. در کلام خدا می خوانیم: " خداوند هنوز منتظر است تا به سوی او بازگشت نمایید. او می خواهد بر شما رحم کند، چون خدای با انصافی است. خوشا به حال کسانی که به او اعتماد می کنند." (اشعیا ۳۰:۱۸). موضوع مهم دیگر این است که خدا نه تنها وعده های خوب و عالی به ما داده است، بلکه بدترین را هم برای ما به طور واضح روشن کرده است تا در جهالت باقی نمانیم. خدا گفت جریمه گناه مرگ است. خدا گفت که به خاطر گناه چه خرابی هایی دامنگیر ما می شود. او به طور واضح و وفادارانه به ما گفته است که چقدر از گناه متنفر است و یادآور شده است که او آتشی سوزان است. (عبرانیان ۱۲:۲۹). کلام خدا خیلی واضح نشان می دهد که او وفادارانه هم به قول های خودش عمل کرده است و هم به تهدید های خودش جامه ی عمل پوشانده است. بهترین نمونه ی وفاداری خدا را در وعده ای که خدا به جد ما، آدم و حوا داد می توانیم ببینیم. وقتی خدا به خاطر سرپیچی و گناه، آدم و حوا را تادیب می کند و از حضورش بیرون می کند، به آن ها وعده می دهد که از نسل زن رستگاری ما را فراهم خواهد کرد. (پیدایش ۳:۱۵) خدا برای انجام این عهد خود سال ها بعد توسط نبی خودش این طور وعده می دهد: " خداوند خودش علامتی به شما خواهد داد و آن علامت این است که باکره ای حامله شده، پسری به دنیا خواهد آورد و نامش را عمانوییل ( یعنی خدا با ماست) خواهد گذاشت." (اشعیا ۷:۱۴) و قرن ها می گذرد و بالاخره وقتی که زمان معین فرا می رسد، در کلام خدا می خوانیم: " خدا عیسی مسیح را که از یک زن و در قید شریعت متولد شده بود فرستاد تا آزادی ما را فراهم کند." (غلاطیان ۴:۴). این جاست که متوجه می شویم که خدا حقیقی است و وعده ی کلامش مطمئن مطمئن است. خدای عظیم، خدای باوفایی است. خدای واقعی عیسی مسیح را که از ازل با خودش بود به این دنیای خاکی می فرستد تا بی گناه از باکره ای به دنیا بیاید و بی گناه زندگی کند و آن چه لازم بود انجام بدهد تا بتواند راه رستگاری را برای ما فراهم کند. آیا امکان دارد که خدایی که ما او را خدای وفادار می دانیم و وفاداری خودش را به ما توسط عیسی مسیح دلبندهش ثابت کرده است، اکنون وعده خود را زیر پا می گذارد و بگوید نه راه رستگاری توسط راه دیگری است؟ آیا می توان نقشه ی خدا در مرور زمان با دانش کلی که خدا از آینده دارد با نقشه و برنامه های انسانی عوض کند. خدای وفادار به آن چه که وعده داده، وفادار است، چه ما قبول کنیم، چه نکنیم. خدای وفادار رستگاری ما را توسط عیسی مسیح امکان پذیر نموده است و او روی عهد خودش وفادارانه ایستاده است. چند موردی را درباره وفاداری خدا با هم مرور می کنیم: اولاً ما وفاداری خدا را در حفظ کردن متعلقان خودش می بینیم. " خدا شما را تا به آخر استوار خواهد داشت تا در روز خداوند ما عیسی مسیح بدون عیب و نقص حاضر شوید. خدا شما را دعوت کرده

تا در حیات (پسر او) خداوند ما عیسیای مسیح شریک و سهیم شوید و او همیشه به قول خود وفادار است." (اول قرنتیان ۱: ۸-۹) اطمینان حواریون عیسیای مسیح برای محفوظ بودن خودشان بر مبنای توانایی و اراده خودشان نبود بلکه این اعتماد بر کسی بود که کاملاً قابل اعتماد است و دروغ نمی گوید. خدا وعده داده است که متعلقان خودش را به هر نحوی که لازم است حفظ کند و از گناه و مرگ آزادی بدهد و چون این وعده خدا است پس مسلم است که خدا به وعده خودش وفادار خواهد بود. دوم ما وفاداری خدا را در تادیب کردن متعلقان خودش می بینیم: خدا هم به آن چه که وعده داده است وفادار است و هم به آن چه که قول نداده وفادار است! خدا هم در اجازه دادن شادی وفادار است، هم در اجازه دادن غم قابل اعتماد و وفادار است. ما در هر موقعیتی می توانیم اعتراف کنیم که خدا وفادار است چه در زمان راحتی و شادی و چه زمانی که در غم هستیم. وقتی خدا از چوب تنبیه برای تادیب ما استفاده می کند ما می توانیم کاملاً مطمئن باشیم که او وفادار است و این وفاداری اش باعث می شود که او فرزندان خودش را تنبیه و تادیب کند. در واقع وقتی ما وفاداری خدا را در چنین مواقعی اعتراف می کنیم فروتنی خود را در مقابل خدا ابراز می کنیم. به این وسیله می پذیریم که ما سزاوار تصحیح شدن هستیم و به جای گله و شکایت، ابراز قدردانی می کنیم. چون می دانیم که خدا وفادار است و بی جهت تنبیه نمی کند. بیایید وقتی از دست او تنبیه می شویم مانند دانیال اعتراف کنیم: "ای خداوند عدالت از آن توست و شرمندگی از آن ما... زیرا به تو گناه کرده ایم." (دانیال ۹: ۷ و ۸) و هم زبان با داوود بگوییم: "ای خداوند می دانم که از روی عدل و انصاف داوری می کنی و مرا نیز منصفانه تنبیه نموده ای." (مزمو ۷۵: ۱۱۹) درد و رنج و زحمت نه فقط با محبت خدا و عهد ابدیش نسبت به ما فرزندان خودش سازگار است در واقع قسمتی از نحوه اجرای این عهد و پیمان است. خدا در اغلب اوقات وفاداری اش را در درد و رنج به متعلقان خودش نشان می دهد. "اگر از دستورات من سرپیچی کنند و احکام مرا بشکنند، آن گاه ایشان را تنبیه خواهم نمود. با این حال آن ها را از رحمت خود محروم نخواهم کرد و نسبت به قولی که داده ام وفادار خواهم ماند." (مزمو ۸۹: ۳-۳۰). به عبارتی دیگر، تادیب خداوند نه فقط با محبت خدا هماهنگ است در واقع نمایانگر اثر این محبت است. خوب است به یاد داشته باشیم که عهد محبت خدا با ما ایجاب می کند که در موقع نیاز با تصحیح همراه باشد. گاهی اوقات درد و رنج برای ما ضروری است چون کلام خدا یادآوری می کند که: "در شدت بیچارگی خود... متوجه گناهانشان شده، آن ها اعتراف کنند و مرا بطلبند." (هوشع ۵: ۱۵). سوم: ما وفاداری خدا را در جلال دادن متعلقان خودش می بینیم. کلام خدا می گوید: "خدایی که سرچشمه آرامش است شما را کاملاً پاک گرداند... تا در وقت آمدن خداوند ما عیسیای مسیح از هر نوع عیب و نقصی به دور باشید. او که شما را به سوی خود دعوت کرده است قابل اعتماد است..." (اول تسالونیکیان ۵: ۲۳-۲۴). خدا بر طبق شایستگی ما با ما عمل نمی کند، چون در واقع هیچ شایستگی ای که سزاوار چنین عملکردی از طرف خدا باشد در ما نیست بلکه فقط و فقط به خاطر نام عظیم خودش است که خدا ما را پاک می کند تا در وقت آمدن خداوند عیسیای مسیح از هر نوع نقصی دور باشیم. خدا به آن چه که برنامه ریزی کرده است وفادار است و مطمئناً به آن چه که در نظر دارد جامه ی عمل می پوشاند. خدا کسانی را که خوانده، کاملاً نیک محسوب کرده و نیکان را نیز جاه و جلال بخشیده." (رومان ۸: ۳۰) چون خدا متعلقان خود را می شناسد (دوم تیموتائوس ۲: ۱۹) در واقع ایمانداران به عیسیای مسیح بر طبق کلام خدا (می دانم که به چه کسی ایمان آورده ام و یقین دارم که او قادر است تا روز آخر آن چه را به من سپرده شده است حفظ کند). (دوم تیموتائوس ۱: ۱۲)) زندگی می کنند. "به همه ی کسانی که عیسیای مسیح را قبول کردند و به او ایمان آوردند این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند، که نه مانند تولد های معمولی و نه در اثر تمایلات نفسانی یک پدر جسمانی بلکه از خدا تولد یابند." (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳). عیسیای مسیح به ما وعده است و گفته است یقین بدانیم که کسی که به او ایمان می آورد حیات جاودان دارد. (یوحنا ۶: ۴۷) و ما می دانیم که عیسیای مسیح دروغ نمی گوید و طبق وعده اش عمل می کند. زمانی که ما به وفاداری خدا در عیسیای مسیح ایمان می آوریم، این ایمان ما را از نگرانی حفظ می کند. نگران بودن و غصه فردا را خوردن و با غم و دلواپسی زندگی کردن نمایانگر این است که شناخت درستی از وفاداری خدا نداریم. آیا ممکن است کسی که وفادارانه دعا های ما را در گذشته شنیده و جواب داده است، امروز نیاز های ما نادیده بگیرد؟ کلام خدا می گوید که نگران مایحتاج خود نباش، چون پدر آسمانی شما می داند که شما به همه ی این چیزها احتیاج دارید. شما قبل از هر چیزی برای به دست آوردن پادشاهی خدا و انجام خواسته های

او بکشید، آن همه این چیزها نیز به شما داده خواهد شد. (متی ۶: ۳۱-۳۳). در ضمن زمانی که به واقعیت وفاداری خدا آگاهی می یابیم، جلوی گله و شکایت ما گرفته می شود زیرا که خدا خیلی خوب می داند که بهترین برای ما چی هست. وقتی ما به وفاداری عمیق خدا پی می بریم دست از گله و شکایت بر می داریم و بیشتر شکرگذار او می شویم. زمانی که در سختی هستیم اما به جای شکوه و شکایت، توجه خود را بر وفاداری خدا معطوف می کنیم، در آن زمان است که ثابت می کنیم خدا واقعا وفادار است و دارد حکیمانه در مورد ما عمل می کند. در نهایت وقتی به واقعیت وفاداری خدا پی می بریم اعتماد و توکل ما به خدا عمیق تر و عمیق تر می شود. و در این اعتماد و توکل تمام امور زندگی خود را در اختیار خداوند قرار می دهیم و ایمان داریم که او با محبت وفادارانه با ما رفتار می کند و با رضایت کامل در تدارکاتی که او برای ما دیده است زندگی می کنیم و در نتیجه ایمان ما نسبت به خدای زنده عمیق و عمیق تر می شود.